

بررسی چالش‌های جهانی پیش‌روی مدیریت مهدوی، راهکارهای برون‌رفت از آن

احمد سعدی^۱

چکیده

رسالت این پژوهش، پرداختن به مسئله مدیریت مهدوی، تحلیل و بررسی چالش‌های جهانی پیش‌روی آن و راهکارهای مقابله با این چالش‌ها است. این نوشتار به چهار چالش جهانی در این زمینه می‌پردازد که با جست‌وجو در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و اوضاع سیاسی و اجتماعی موجود در طول تاریخ یافت شده است. چالش‌های مورد بحث عبارتند از: موفقیت‌های پیشین، بحران‌های پیشین، کارشکنی قدرت‌های مستکبر و نبود کادر نظامی و مدیریتی.

همچنین این پژوهش، راهکارهای برگرفته از آیات، احادیث و مسائل مبتلابه را در کنار پرداختن به چالش‌ها بیان می‌کند. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است.
واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت مهدوی، امام مهدی، چالش‌ها، راهکارها.

«انقلاب‌های اصلاح‌گرایانه» از بدو تولد، با موانع و مشکلاتی روبه‌رو هستند؛ چرا که در ذات خود، محیط بیمار اطراف را بر نمی‌تابند؛ محیطی که مانند اختاپوس، مقدرات و عناصر قدرت مادی را زیر سلطه می‌گیرد و حتی برای مشروعیت بخشیدن به خود، دین را بازیچه قرار می‌دهد. لشکر سفیانی زمان، برای خاموش کردن نور خداوند شبانه روز تلاش می‌کند. با نگاهی گذرا به آیات سوره هود به نوع برخورد مخالفان شعیب با انقلاب او متوجه این رویکرد می‌شویم؛ آن‌جا که به شعیب خطاب می‌کنند:

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِبِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾؛ گفتند ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی. گفت: ای قوم من! آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید]؟! در حقیقت، پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید، احاطه دارد و ای قوم من! شما بر حسب امکانات خود عمل کنید من [نیز] عمل می‌کنم. به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم (هود: ۸۸ - ۹۳).

راه حق، در طول تاریخ این‌گونه بوده و شاید اوج این رویارویی در کربلا نمود یافته باشد که همه امکانات، بکار گرفته شد تا حق دفن و حرکت اصلاح‌گرایانه نابود شود. تاریخ تکرار می‌شود و هر اندازه اصلاح وسیع‌تر باشد، برنامه‌ریزی برای رویارویی با آن نیز بزرگ‌تر می‌شود. مدیریت مهدوی، خلاصه حرکت پیامبران، اهدافشان و وعده الهی برای پاک کردن کردن زمین از چنگال ستمگران، فساد پیروان شیطان، هوا و هوس، قتل و اختلاف است. از این رو، موانع این مدیریت افزایش می‌یابد؛ موانعی که در پی انباشته شدن اتفاقات گذشته است یا چالش‌های آینده که وقایع گذشته بر آن تأثیرگذار است و مانعی در راه حرکت تغییر ایجاد می‌کند و بی‌تردید که مدیریت مهدوی براین موانع چیره می‌شود.

نوشتار پیش‌رو، در صدد تحلیل مدیریت مهدوی و مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو

راهکارهای مبارزه با این موانع است و البته تا کنون به طور مبسوط به این موضوع پرداخته نشده است.

مفهوم شناسی مدیریت مهدوی و چالش‌ها

«مدیریت» در لغت: از ریشه «دور» گرفته شده است: داروا حوله، اطراف او گشتند؛ استداروا، دایره‌ای شکل قرار گرفتند؛ آداره، او را مدیریت کرد؛ دوره، او را گرداند (زمخسری، ۱۹۶۰: ص ۲۸۷) و در اصطلاح به کارگیری کارآمد و مؤثر نیروهای انسانی، مادی، مالی، اطلاعات، افکار و زمان برای محقق ساختن اهداف با راهکارهای اداری است که در برنامه‌ریزی، ساماندهی، هدایت و نظارت نمود می‌یابد (جادری، ۲۰۰۸: ص ۱۱).

«چالش» در اصطلاح: مجموعه‌ای از شرایط و امکانات است که مدیریت به آن نیاز دارد یا زمانی که نمی‌تواند بر آن مسلط شود یا به طور مستقیم و سریع بر آن اثر بگذارد، برای تعامل با آن‌ها به آن وابسته است (خطاب، ۱۹۸۵: ص ۸۷).

همچنان که ثابت است، مدیریت مهدوی از یک منطقه محدود که همان جهان اسلام است، آغاز می‌شود؛ ولی در آن مرزها نمی‌گنجد؛ زیرا اهداف جهانی دارد، و به دنبال تغییر و تحول فراگیر و همه جانبه است و بر آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) مبتنی است. در روایات، سخن از مناطق خارج از جهان اسلام به میان آمده که مبین جهانی بودن انقلاب مهدوی است.

یک. مدیریت مهدوی و چالش‌ها

از این رو، مدیریت مهدوی با چالش‌های متعددی مواجه می‌شود که می‌توان آن‌ها را در تقسیم بندی‌های مختلفی قرار داد. در ادامه به چهار چالش مهم جهانی می‌پردازیم: قابل ذکر است که چالش‌های جهانی به چالش‌هایی گفته می‌شود که به کل جهان متعلق است و به منطقه‌ای خاص محدود نیست.

چالش نخست: موفقیت‌های پیشین جهانی

بشر در مدیریت‌های خود در طول تاریخ، گام‌های بزرگ علمی برداشته و موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند. و روز به روز نیز به کشف‌ها و اختراعات جدیدی نایل آمده که می‌توان به برخی از دست آوردها اشاره کرد:



۱. سفر انسان به کره ماه؛
۲. کشف الکترون؛
۳. پیشرفت شیوه‌های ارتباطی؛
۴. دستیابی به ویتامین‌ها؛
۵. اختراع تلویزیون؛
۶. اختراع میکروسکوپ الکترونیکی؛
۷. کشف اسید نوکلئیک؛
۸. لقاح مصنوعی؛
۹. کشف اشعه ایکس؛
۱۰. کشف امواج رادیویی؛
۱۱. اجرای عمل جراحی توسط ربات؛
۱۲. به‌کارگیری بازتاب امواج رادیویی، برای مکان‌یابی هواپیمای در حال پرواز؛
۱۳. انجام دادن برخی کارها با دوربین؛
۱۴. انقلاب اینترنت؛
۱۵. دانش جراحی؛
۱۶. مهندسی ژنتیک؛
۱۷. پیشرفت بیولوژی؛
۱۸. ساخت دستگاه‌های برقی برای استفاده خانگی؛
۱۹. برق؛
۲۰. بازتاب امواج راداری از ماه و ستارگان و سیارات؛ برای تشخیص فاصله آن تا زمین و رهگیری مسیرشان؛
۲۱. دستیابی به ژن‌ها؛
۲۲. اختراع رایانه؛
۲۳. کشف کهکشان‌ها؛
۲۴. پیوند اعضا؛
۲۵. پرتاب ماهواره؛



۲۶. کشت سلول در آزمایشگاه؛

۲۷. درمان بیماری‌های صعب‌العلاج، واکنش‌های و دارو.

این دستاوردها، حاصل تلاش طولانی مدت انسان است و البته این اختراعات و پیشرفت‌ها حضور چشمگیری در زندگی انسان داشته؛ به طوری که بخشی از ضروریات زندگی گشته و انسان بدون آن یا نمی‌تواند ادامه حیات دهد، یا به سختی می‌تواند زندگی کند. اگر این‌ها دستاورد مدیریت‌های غیرالاهی باشد، شایسته است که آخرین مدیریت، یعنی مدیریت مهدوی موفقیت‌هایی به دست آورد که مقایسه آن با موفقیت‌های گذشتگان غیر ممکن باشد؛ زیرا مدیریت آخر الزمان، همچنان که در روایات بیان می‌شود، سرآمد تمام مدیریت‌های انسان در طول تاریخ خواهد بود. به عبارت دیگر، این مدیریت، نقص مدیریت‌های قبل را رفع می‌کند و دستاوردهای دیگری دارد که بشر به آن دست نیافته است.

چالش دوم: بحران‌های پیشین جهانی

جهان در توده بزرگی از ناکامی‌ها و مشکلات در سطوح مختلف اخلاقی، پزشکی، روانی، اجتماعی، روحی، اقتصادی، سیاسی، فکری، تربیتی و زیست محیطی فرو رفته است و احادیث بسیاری درباره مشکلات پیش از ظهور خبر داده‌اند، مانند:

۱. مرگ سرخ؛ به معنی کشته شدن با اسلحه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۰۷) است. برخی احادیث، واژه «بیوح» را برای این نوع مرگ به کار برده و آن را به کشتار همیشگی و بی‌پایان تفسیر کرده‌اند (همان، ص ۱۸۲).

۲. مرگ سفید؛ به معنی شیوع بیماری‌ها (همان، ص ۲۰۷)؛

۳. فراگیر شدن ترس، به ویژه از حاکمان؛

۴. اختلاف؛ در حدیثی این چنین آمده است: «ویومئذ یكون اختلاف کثیر فی الأرض وفتن؛ در آن روزگار اختلافات و فتنه‌های بسیاری در زمین رخ می‌دهد»؛

۵. ویرانی؛

۶. گرسنگی ناشی از گرانی (صدوق: ۱۴۰۵: ص ۶۴۹)؛

۷. رواج هرج و مرج؛

۸. از بین رفتن ارزش‌ها (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۱۴)؛

۹. فروپاشی خانواده در پی طلاق (نیسابوری، ج ۱، ص ۷۶)؛

۱۰. سست شدن ایمان (همان)؛

۱۱. تسلط ضعف و ناتوانی بر دل‌های مسلمانان (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۹)؛

۱۲. فتنه‌ها (مفید، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۷۳)؛

در طول تاریخ، انسان با مشکلاتی مواجه بوده و تا دوران ظهور امام زمان نیز این مشکلات ادامه خواهد داشت. روایات متعددی بین این مشکلات و ظهور ارتباط برقرار کرده است.

ناکامی‌ها و بحران‌های مدیریت‌های پیشین و ظلمی که جهان را فرا گرفته، آخرین مدیریت را در برابر مشکلات و چالش‌های بزرگی قرار می‌دهد که حل این مشکلات، راهکاری اساسی، ریشه‌ای و سریع می‌طلبد. در غیر این صورت و با تاخیر در محقق ساختن وعده‌ها، این مدیریت در معرض آسیب قرار می‌گیرد. بنابراین، آخرین مدیریت نمی‌تواند در کار خود به یکی از جنبه‌های تغییر بسنده و لذا باید تغییری اساسی در همه سطوح ایجاد کند؛ زیرا ظهور، انقلابی فراگیر و وعده الاهی پیامبران و اوصیا است.

چالش سوم: کار شکنی قدرت‌های مستکبر

در هر زمانی قدرت‌های بزرگی وجود دارد که در برابر اجرای حق و عدالت می‌ایستند. تاریخ برخورد پادشاهان و فرعونیان با پیامبران موید این امر است و مدیریت مهدوی از این قاعده مستثنا نیست. قدرت‌های مستکبر و دشمنان اسلام با تمام توان برای شکست دادن این مدیریت تلاش می‌کنند؛ زیرا:

۱. این مدیریت، انقلابی ارزشی است که به دنبال تحقق عدالت و رفع ظلم و مبارزه با فساد است: «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۸) و این نکته گویای آن است که دولت‌ها و حاکمیت‌های قبل از ظهور از قسط و عدل تهی بوده‌اند: «کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا» (همان).

۲. این مدیریت، انقلابی است که خرد را به انسان باز می‌گرداند (حلی، ۱۳۷۰: ص ۱۱۷ و النعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۴۵). در این روایات، سخن از عقول؛ حلوم و حکمت به میان آمده است؛ در مقابل، فرعونیان خواهان بی‌خردی و جهالت و سبک شمردن عقولند: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ» (زخرف: ۵۴). لذا بین این دو، رویارویی آشکار به وجود می‌آید.

۳. این مدیریت، پس از آن که اختلافات، جوامع را پاره پاره کرده و شعار «تفرقه بینداز و

حکومت کن» فراگیر شده است، برای اتحاد جهانی تلاش می‌کند (مروزی، ۱۴۱۴: ص ۲۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۳: ص ۶۲۶ و ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۱۴۵).

۴. به دنبال حاکمیت مستضعفان است، که قدرت‌های مخالف، این بخش بزرگ را نادیده گرفته‌اند: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛

۵. رویاروی مستکبران می‌ایستد و تاج و تخت‌شان را فنا می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۴)؛

۶. ثروت را با عدالت توزیع می‌کند و مانع ثروت اندوزی می‌شود (همان، ص ۳۵۱)؛

۷. قید و بندهای ساختگی و طبقاتی پوشالی را در هم می‌شکند، (همان)؛

۸. به دنبال حق و نشان دادن حقایق است و طبیعی است دزدان نیمه شب، نور خورشید را خوش ندارند (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۸۳).

قدرت‌های مستکبر برای شکست این مدیریت نیز همسو می‌شوند؛ زیرا:

۱. می‌خواهند مقدرات را کنترل کنند؛

۲. می‌خواهند دیگران را به بردگی بکشند؛

۳. ثروت را بازیچه خود قرار می‌دهند؛

۴. افکار مردم را گمراه می‌کنند؛

۵. برای گسترش نفوذ خود تلاش می‌کنند؛

۶. دین و ارزش‌ها را دست مایه رسیدن به اهداف دنیایی خود می‌کنند.

قدرت‌های مذکور تمام امکانات را به کار می‌برند تا از حاکمیت حق و تحقق مدیریت مهدوی جلوگیری کنند.

چالش چهارم: نبود کادر نظامی و مدیریتی

تحقق مدیریت مهدوی برای آزادسازی جهان است و لذا نیازمند امکانات فراوانی برای تحقق این امر است، در حالی که دشمنانی مجهز در مقابل دارد. این مدیریت پیش از خود، پایگاه و نیرویی در سطح سازماندهی شده ندارد؛ امام دولتهایی ندارد که با سلاح و تجهیزات پیشرفته به او کمک کنند و نه دارای مدارس و دانشگاه‌هایی است که در دوره غیبتش افراد شایسته را تربیت کرده باشند. جنبش مهدوی، با توجه به سرشت و ویژگی‌هایش که آن را



مدیریتی منحصر به فرد کرده است؛ می‌طلبد که امام از روز نخست کادر خود را که رفتار صحیح اسلامی و انگیزه‌های متعالی داشته باشند، دارا باشد. از این رو، گفته می‌شود افرادی با این ویژگی‌ها بسیار کم یافت می‌شوند و از سویی دیگر امام هم که برای تغییر کامل جهان توسط یاران خاص تلاش می‌کند، حضور مستقیم و مباشر ندارد تا چنین نخبگانی را تربیت کند؛ چنان‌که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای فارغ التحصیل کردن نیروهایی با این اوصاف در اختیار ندارد.

دو. مدیریت مهدوی و راهکارهای پیش‌رو

پس از بیان چالش‌ها، راهکارهای برون رفت از هر یک از چالش‌ها را جداگانه و به اختصار توضیح می‌دهیم:

۱. مدیریت مهدوی و موفقیت‌های پیشین

الف) اسلام و پیشوایان آن، در تقابل با علم و پیشرفت‌ها نیستند؛ همچنان که در قرآن کریم و روایات آمده است که علم دستاورد بشری از برکات خالق بر مخلوق است (علق: ۵). لذا این پیشرفت‌ها در سمت و سوی پیشرفت‌های دیگر است که در سایه مدیریت مهدوی انجام می‌گیرد.

ب) پیشرفتی که تا کنون اتفاق افتاده، قسمتی از مؤلفه‌هایی است که طبیعت می‌تواند به بشر ببخشد. بنابراین، اگر طبیعت همه مواهب خود را در خدمت انسان قرار دهد، وضع، بسیار متفاوت خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند گنج‌ها و معادن زمین را برای او آشکار می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۲۳) و از امام صادق علیه السلام نقل است: «زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم آن را بر روی زمین می‌بینند» (همان، ص ۲۳۷).

ج) دانشی که انسان توانسته است به آن برسد، سهم اندکی از حجم بسیار گسترده دانش است و هنگامی که خداوند گنج‌های علم را برای مدیریت مهدوی بگشاید، پیشرفت کنونی بشر در برابر آن به چشم نمی‌آید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دانش بیست و هفت حرف است؛ آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را گسترش می‌دهد و در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را هم به آن ضمیمه نموده تا آن که بیست و هفت حرف شود»

(همان، ص ۳۳۶): مؤید این روایت آیات و روایات دیگری است، مانند «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲).

د) روند توانبخشی، همگانی خواهد بود و با این روند، همه ظرفیت‌ها در جنبش کشف و اختراع وارد می‌شوند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، [دستش] را بر سر بندگان می‌کشد؛ خدا عقل‌هایشان را جمع و خرده‌هایشان را کامل می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۲۸). منظور از تجمیع عقل‌ها تمرکز؛ و از تکمیل خرده‌ها جهش بلندی است که تغییر بزرگی را باعث می‌شود: به طوری که بتواند جهان را تغییر دهد.

ه) هستی و آنچه در آن است، جز برای انسان، به منظور رسیدن به هدفی که خالق برایش ترسیم کرده، آفریده نشده است. انسان محور و سنگ بنای خلقت و خلیفه خدا است (بقره: ۳۰): تا بقیه اشیا در خدمت او باشد، و به‌کارگیری بقیه اشیا، مطابق نظام جعل و تسخیر و قدرت است (لقمان: ۲۰): «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»؛ و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم (اعراف: ۱۰) و ده‌ها آیه که بر این حقیقت تاکید دارد. رابطه بین انسان و هستی، رابطه آباد کردن و آبادانی است (هود: ۶۱). مطابق شیوه‌ای که در سنت الاهی ترسیم شده است (مائده: ۴۸). هرچه انسان بتواند پایداری را در زندگی خود داشته باشد، بهتر می‌تواند کلیدهای گنج‌های این جهان را در دست داشته باشد (انفال: ۲۹؛ حدید: ۲۸؛ طلاق: ۲ - ۴ و اسراء: ۸۰). جهان تابع نظام به هم پیوسته‌ای است که نمی‌توان بعد مادی و معنوی آن را از هم جدا کرد: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ... يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ»؛ و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید ... [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد (نوح: ۱۰ - ۱۲).

ارتباط انسان با خداوند و استغفار یا آمرزش خواستن یکی از کلیدهای شکوفایی و آبادانی زمین است و اگر پایداری محقق شود، انسان می‌تواند طبیعت را به صورت صحیح به کار گیرد. چنین انسانی تا جایی پیش می‌رود که همه چیز در اختیار او خواهد بود: «إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ»؛ ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم (ص: ۱۸): «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ»؛ پس باد را در اختیار او قرار دادیم که به فرمان او روان می‌شد (همان: ۳۶): چنان‌که اگر پایداری کند، دل‌های بندگان را مسخر او می‌کند: «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ به زودی



[خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد (مریم: ۹۶). رفتار انسان با طبیعت باید مطابق قوانینی باشد که برای آن ترسیم شده است، وقتی مسیر را درست ببیماید، امکانات حیات ساز در اختیار او قرار می‌گیرد: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم (جن: ۱۶).

این روح خلافت است: ﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ﴾؛ و از آنچه شما را در [استفاده از] آن جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید (حدید: ۷). انفاق راز تمکین است: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ﴾؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند (حج: ۴۱). این فرآیند استفاده مؤثر و کارآمد است و شریعت در آموزه‌های خود برای تثبیت تأثیرگذاری و کارآمدی تلاش کرده است و از عدم به‌کارگیری یا به‌کارگیری غیر مؤثر و ناکارآمد نهی کرده است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۴۲): ﴿الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛ کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده (توبه: ۳۴).

اساس مدیریت مهدوی به‌کارگیری مؤثر و کارآمد در بالاترین سطح خود خواهد بود، روایات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. امام علیه السلام براساس نگاه قرآنی، تمام عوامل پیشرفت را در اختیار خواهد داشت و «علم»، همچنان‌که می‌دانیم، از آن خداوند است که در اختیار اولیایش قرار می‌دهد، پس مدیریت مهدوی، برای خدمت به پروژه حق هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهد.

۲. مدیریت مهدوی و بحران‌های پیشین

بحران‌های پیشین به مشکلات ذیل بازمی‌گردد:

الف) مشکلات ارزشی؛

ب) مشکلات روانی؛

ج) مشکلات اقتصادی؛

د) مشکلات فکری؛

هـ) مشکلات سیاسی؛

و) مشکلات اجتماعی.

مدیریت مهدوی در برخورد با این مشکلات به پا می‌خیزد و راه‌حل‌های متناسب در پیش می‌گیرد؛ مانند:

یکم. انسان‌سازی: محور همه مشکلات انسان است و لذا اگر انسان درست شد، همه چیز درست می‌شود. مدیریت مهدوی برای رفع این مشکلات، ابتدا الگوی صالحی ارائه می‌کند و سپس با ایجاد دولتی جهانی کرامت انسان را ارج می‌نهد و برای خوشبختی و تربیت انسان و برجیدن ستم تلاش می‌کند.

الگوی صالح که در رأس آن امام معصوم قرار دارد، بر خود واجب می‌داند که نظام مساوات را برای همه افراد جامعه در خوراک، پوشاک، وسیله نقلیه، مسکن و زندگی فراهم کند و از مدیران و کادر اجرایی‌اش می‌خواهد که مطابق مجموعه‌ای از شرایط عمل کنند (حائری، بی‌تا: ص ۱۷۷ - ۱۷۸). این رویکرد، به صورت طبیعی در زندگی مردم بازتاب دارد. این‌گونه مدیریت نمونه‌ای ارزشی و مکتبی برای تربیت انسان ارائه می‌کند و هنگامی که دیگران این شیوه و دستاورد را دیدند، با اخلاص برای رها شدن از رسوبات ته‌نشین شده جهان مادی تلاش می‌کنند و کینه‌ها و دشمنی‌های دنیوی از بین می‌رود. مدیریت مهدوی برای تهذیب انسان و ایجاد روح محبت، قناعت و پشتیبانی تلاش می‌کند و در نتیجه انسان نیازش را برآورده می‌سازد. و به دنبال امیال سیر نشدنی نمی‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم آن را بر روی زمین می‌بینند و دارندگان زکات به سراغ کسی می‌گردند که نیازمند باشد و زکاتشان را بگیرد، ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم از فضل و بخشش خداوند از دیگران بی‌نیاز می‌گردند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۳۷).

دوم. اعتماد سازی: از بزرگ‌ترین مشکلات جوامع بشری، بی‌اعتمادی به حاکمان است که ناشی از دوری حاکم از مردم و سوء استفاده از قدرت و ثروت است؛ به طوری که نظام طبقاتی به وجود می‌آید که طبعاً در این صورت تعلقات مادی مردم، سیرنشدنی می‌گردد و از راه حلال و حرام به دنبال کسب ثروت و قدرت می‌شوند و از ابزارهای متنوع، مانند ظلم و چپاول و خون‌ریزی برای رسیدن به این دو استفاده می‌کنند. مدیریت مهدوی، تجسم حقیقی دین الاهی است که پیامبران و اوصیا را معصوم قرار داده و به عنوان اسوه حسنه معرفی کرده است. از این رو، امام زمان بهترین الگوی ارزشی و پایبند بودن به شریعت و قوانین را نشان



می‌دهد؛ حتی در مسکن و مرکز حکومت. لذا کاخ نمی‌سازد و دو مسجد سهله و کوفه را برای استقرار برمی‌گزیند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۱). معصوم بودن دولت‌مردان، دانش، شایستگی، تواضع، درک دردهای دیگران، وفاداری به میانی، تلاش صادقانه برای خوشبخت کردن بشر و روگردانی از متاع پوچ دنیا، بر این مدیریت تأثیر چشم‌گیری دارد.

سوم. فتنه زدایی: قیام مهدوی از بعد ارزشی برخوردار است که با روح انسان‌ها سر و کار دارد. انسان را از ردایل دور و با پلیدی‌ها مبارزه می‌کند. زدودن فتنه و دشمنی از برنامه‌های مدیریت مهدوی است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «خداوند پس از دشمنی فتنه، دل‌هایشان را با ما در دین الفت می‌بخشد» (مروزی، ۱۴۱۴: ص ۲۲۹ و ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۱۷۷) و نیز می‌فرماید: «دشمنی درونی از دل‌های بندگان زدوده می‌شود» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۶۲۶).

چهارم. تقسیم عادلانه ثروت و امکانات: مشکل اقتصادی در جهان امروز در اصل دارای جنبه ارزشی است. طمع، بدزبانی، محروم کردن دیگران، هدر دادن ثروت‌ها، نمودهای نبود ارزش‌هاست، نه به دلیل کمبود منابع طبیعی. مدیریت مهدوی در زمینه ارزشی و تقسیم عادلانه ثروت گام برمی‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۵۱).

پنجم: ترسیم نقشه راه جامع برای استفاده حداکثری از منابع انسانی و طبیعت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم آن را بر روی زمین می‌بینند» (همان، ص ۳۳۷).

ششم. مبارزه با انواع ظلم و استحکام امنیت: ظلم منابع متعددی دارد. مدیریت مهدوی با سرنگون کردن حکومت‌های مستبد و مبارزه با ظلم اجتماعی و فردی و ایجاد زمینه‌های مساوات و استحکام عدالت، ظلم را ریشه کن می‌کند و عوامل جنگ و خونریزی را از بین می‌برد (مقدسی، بی تا: ص ۱۳۶).

هفتم. مبارزه با بیماری‌ها: بیماری‌ها ممکن است ناشی از فقر و جنگ یا عدم رسیدگی به مسائل بهداشتی باشد با ریشه‌کن کردن منشأ آن، سبب از بین رفتن بیماری می‌گردد (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۳۳۲).

۳. مدیریت مهدوی و کارشنکی قدرت‌های مستکبر

مدیریت مهدوی با این چالش این‌گونه برخورد می‌کند:

یکم. با مسائل بر اساس واقعی‌بینی رفتار می‌کند و به ظاهر بسنده نمی‌کند؛ بدین معنی

که با پشتوانه اطلاعاتی گسترده‌ای که دارد، اقدامات تخریب‌گرانه را به شکست می‌رساند. روشن است کار اطلاعاتی نقش بزرگی در تغییر اوضاع خواهد داشت (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۶۷۴، میرزای نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۷، ص ۳۶۵ و صفار، ۱۴۰۴: ص ۴۵۷).

دوم. برخورد قاطع با هر کس که بخواهد مقدرات را دستمایه هدف‌های خود قرار دهد، بدون آن که در این اقدام از سرزنش کسی نگران باشد (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۳۲۵، و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۵۵). این برخورد نمود آموزه‌های قرآن در رویارویی با کافران و منافقان است: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ وَيَذْهَبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ با آنان بجنگید؛ خدا آنان را به دست شما عذاب و خوار می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند و خشم دل‌هایشان را ببرد و خدا توبه هر که را بخواهد، می‌پذیرد و خدا دانای حکیم است (توبه: ۱۴-۱۵) و آنچه در احادیث وارد شده که ایشان ظاهر نمی‌شود، مگر با شمشیر (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۱۵۹)؛ مربوط به این برخوردها است.

سوم. وجود مردانی آگاه و فداکار: پیامبر فرمودند: «هنگام خروج قائم، منادی از آسمان ندا می‌دهد ای مردم! زمان حکومت جباران بر شما تمام شد و ولی امر بهترین فرد امت است. پس بشتابید به سوی مکه. سپس نجبا و نیکانی از مصر و ابدال و نخبگانی از شام و دسته‌جاتی از عراق که شب بیداران و شیران روزند و گویا دل‌های آنان همچون پاره‌های آهن می‌باشد، به سوی قائم می‌شتابند و با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند (مفید، بی‌تا: ص ۲۰۸ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۴). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رادمردانی هستند که شب هنگام نخواستند، زمزمه نمازشان چونان زمزمه زنبوران عسل فضا را آکنده سازد. از شب تا صبح در حال قیام و رکوع و سجودند و بامدادان بر مرکب‌هایشان سوارند. آنان راهبان شب و شیران روزند. آن‌ها در برابر فرمان امام‌شان از کنیز فرمانبردار، فرمانبردارترند و از ترس خدا نگرانند. آرزو می‌کنند در راه خدا کشته شوند. شعارشان «یا لثارات الحسین» است وقتی که به حرکت در می‌آیند ترس و وحشت نیز در پیشاپیش آنان در دل‌های مخالفان ایجاد می‌شود و خداوند توسط آنان، امام حق را یاری می‌بخشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸).

چهارم. امداد الهی و غیبی در به لرزه در آوردن نیروهای مخالف و پر کردن دل‌هایشان



از ترس. یاران امام پیروزند و شکست را نمی‌شناسند و این رویکرد، در روحیه مخالفان بازتاب دارد. این جنگ روانی بر نیروی الهی تکیه دارد: «رادمردانی که وقتی به حرکت در می‌آیند ترس و وحشت نیز در پیشاپیش آنان در دل‌های مخالفان ایجاد می‌شود و خداوند توسط آنان، امام حق را یاری می‌بخشد» (همان). تأییدات آسمانی قطع نمی‌شود: ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾؛ و [یاد کن] هنگامی که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است (انفال: ۳۰)؛ ﴿وَإِنْ يَرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ﴾؛ و اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پیش از این [نیز] به خدا خیانت کردند [و خدا تو را] بر آنان مسلط ساخت (انفال: ۷۱).

پنجم. انقلاب‌های داخلی ناشی از شدت ستم و نارضایتی عمومی از حکومت‌ها که آن‌ها را در معرض ضعف و ناتوانی بر مقاومت و شکست قرار می‌دهد.

ششم. دلایل و شواهدی که صفوف جبهه‌های مخالف را در هم می‌شکند؛ مانند حضور عیسی عليه السلام در معیت حضرت مهدی عليه السلام (سیوطی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ص ۲۹۴ و شیروانی، ۱۴۱۴: ص ۲۹۹)؛ که عامل مؤثری بر شکست و از هم گسیختگی جبهه مسیحیان است.

۴. مدیریت مهدوی و نبود کادر نظامی و مدیریتی

یکم. تربیت الهی نیروها: شاید برخی تصور کنند که فراهم کردن مردانی برای این جنبش بزرگ، دشوار باشد؛ ولی اگر به منطق آسمان بنگریم، نقش خالق را در ساخت انسان‌هایی در اوج برای به دوش کشیدن این ارزش‌ها می‌بینیم. منابع بشری تابع نظام محبت الهی هستند و اوست که با بخشش خود آن منابع بشری را در بر می‌گیرد و پیش چشمانش تربیت می‌کند. قرآن نمونه‌هایی از کسانی را بیان می‌کند که عنایت الهی آنان را در بر گرفته است؛ موسی که در کاخ فرعون رشد و دست آسمانی مسیرش را ترسیم کرد: ﴿وَلْتَصْنَعْ عَلَيَّ عَيْنِي﴾؛ تا زیر نظر من پرورش یابی (طه: ۳۹) تا پیامبر باشد. جادوگران فرعون که به طور مستقیم با موسی رویارو شدند و فکر می‌کردند موسی را شکست می‌دهند، خیلی زود دریافتند که باید به فرعونی که برای‌شان ثروت در نظر گرفته بود (و وقتی ایمان‌شان را دید، به قتل تهدیدشان کرده بود) بگویند که قدرت مقابله با موسی را ندارند: ﴿قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ

عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛
گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به‌سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است،
ترجیح نخواهیم داد. پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو]
حکم می‌رانی (طه: ۷۲)؛ و کاخ دقیانوس، جوانان را به رگم فریب‌ها و تهدیدات از گرایش
الاهی محروم نکرد: ﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا
رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا﴾؛ آنان جوانانی بودند که
به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم،
آن‌گاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و
زمین است؛ جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت، قطعاً ناصواب گفته‌ایم
(کهف: ۱۴-۱۳). وقتی دست تقدیر خداوند، برای تربیت انسان‌هایی در این شرایط اقدام
می‌کند، چه مانعی در راه است برای دیگران چنین نکنند، به‌ویژه در جنبشی که نمود جوهر
حرکت پیامبران است و رحمت الاهی قطع نمی‌شود و خداوند به مستضعفان امامت و وراثت
را وعده داده است و چه کسی از خداوند به وعده‌هایش وفادارتر است؟
دوم. سازماندهی نیروها: می‌توان منابع بشری را که امام به آن‌ها تکیه می‌کند، این‌گونه
تقسیم کرد:

الف) خواص: همان سیصد و سیزده نفری هستند که خداوند تربیت‌شان کرده است. امام
باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم در میان گروهی به عدد اهل بدر سیصد و سیزده مرد از گردنه ذی
طوی پایین می‌آید تا آن‌که پشت خود را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به
اهتزاز در می‌آورد (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۳۲۹). این افراد کادر ویژه مدیریت هستند که نقش
فرماندهی و اداره امور سرزمین‌ها را به عهده می‌گیرند» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ص ۳۸۰ و
مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۳۶۵).

ب) گروه‌های جهادی: آنان مردانی هستند که در معرکه‌های پیش از ظهور وارد شده‌اند.
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هنگام خروج قائم، منادی از آسمان ندا می‌دهد، ای مردم! زمان
حکومت جباران بر شما تمام شد و ولی امر بهترین فرد امت است. پس بشتابید به سوی مکه.
سپس نجبا و نیکانی از مصر و ابدال و نخبگانی از شام و دسته‌جاتی از عراق که شب بیداران
و شیران روزند و گویا دل‌های آنان همچون پاره‌های آهن می‌باشد، به سوی قائم می‌شتابند و



با او بین رکن و مقام بیعت می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۴).

ج) توده مردم یا مستضعفان: این دسته از مردان، دارای دل‌هایی پاک هستند که این دل‌ها، آنان را به سمت حقیقت رهنمون می‌شود و سختی‌هایی که می‌کشند باعث می‌شود به دنبال راه نجاتی باشند که این راه را در جنبش مهدوی می‌یابند. این مردان اندک نیستند، بلکه میلیون‌ها نفر هستند که با آتش مدیریت‌های فاسد داغ‌دیده شده‌اند و به نجات می‌اندیشند. بنابراین، تعداد یاران آن حضرت، به خواص محدود نمی‌شود، بلکه خواص، فرماندهان جنبش هستند. ابوبصیر می‌گوید: مردی از اهل کوفه از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با قائم علیه السلام در ظهور همراهند. به درستی که ایشان می‌گویند، همراهان قائم علیه السلام به شماره اهل بدرند که سبید و سیزده مرد بودند؟ امام علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام ظهور نکند، مگر با نیروی مهمی، و نیروی مهم که از ده‌هزار کم‌تر نباشد» (همان، ص ۳۲۳).

دوم. نیروهای غیبی: حضور ملائکه در جنگ‌های پیامبر و تأیید مومنان امری یقینی و غیرقابل تردید است (آل عمران: ۱۲۵). این حضور به پیامبران منحصر نیست (غافر: ۵۱). امام صادق علیه السلام درباره این آیه «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»؛ [هان] امر خدا در رسیدن پس در آن شتاب مکنید (نحل: ۱)؛ فرمود: این امر ماست؛ خدای عزوجل دستور داده که شتاب نکنید تا با سه لشکر تأییدش کند: فرشتگان، مؤمنان و ترس. خروجش مانند خروج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. خداوند می‌فرماید: «كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ»؛ همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد و حال آن که دسته‌ای از مؤمنان سخت کراهت داشتند (انفال: ۵) (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۵۱).

سوم. آموزش و نظارت مستمر: تمام کادر در مدیریت مهدوی تحت نظارت مستمر است. این نظارت موجب پیشرفت کارها و نیروها می‌باشد (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۶۷۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۵۲).

نتیجه‌گیری

۱. مدیریت مهدوی، رسالت جهانی و اصلت و گسترش عدل و ریشه کنی ظلم را دارد و لذا از آغاز حرکت، با چهار چالش جهانی روبه‌رو می‌شود: موفقیت‌های پیشین، بحران‌های قبل از ظهور، کارشکنی قدرت‌های بزرگ و نبود کادر نظامی و مدیریتی.
۲. موفقیت‌های پیشین در مقوله علم می‌گنجد که امری خدادادی است؛ اما مدیریت مهدوی،

مصادق بارز حکومت الاهی است و امام زمان، خلیفه به حق خداوند است که تمام امکانات و فرصت‌ها و علوم مورد نیاز در اختیار او قرار می‌گیرد و با کمک و همیاری تلاش‌های زمین و آسمان به رویارویی با نیروهای مخالف می‌رود.

۳. ریشه مشکل در جوهر چالش بحران‌های پیشین به صورت اساسی، «ارزشی» است و مدیریت مهدوی، بالارائه الگوی صالح، عصمت دولت، نقشه راه جامع، توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با انواع ظلم و تهذیب شهروندان بر این بحران غلبه می‌کند.

۴. مدیریت مهدوی، با تدبیر و کمک مردانی آگاه، فداکار و برخوردار از آمادگی الاهی، شبکه اطلاعاتی، قدرت و برهان و مبارزه همه جانبه و سرنگونی این قدرت‌ها و استفاده بهینه از منابع بشری و برخورد قاطع با تخلفات، بر چالش کارشکنی قدرت‌های استکباری چیره می‌شود.

۵. مدیریت مهدوی از چالش نبود کادر نظامی و مدیریتی با برنامه تربیت الاهی افراد صالح و حضور فعال مستضعفان و استفاده از توانایی‌های موجود به نحو نیکو و آموزش و نظارت مستقیم بر کادر مدیریتی و جامعه، از این بحران عبور می‌کند.



منابع

قرآن کریم.

١. ابن حنبل (بی تا). *مسند احمد بن حنبل* (بی تا). بیروت، لبنان، دار صادر.
٢. جادری، احمد فاضل (٢٠٠٨م). *الادارة الثقافية*، قم، ثامن الحجج.
٣. حائری، علی (بی تا). *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*، تحقیق: علی عاشور، بی جا، بی نا.
٤. خطاب، عایده سید (١٩٨٥م). *الادارة والتخطيط الاستراتيجی فی قطاع الاعمال والخدمات سياسات ادارية*، بی جا، دارالفکر العربی.
٥. زمخشری (١٩٦٠م). *اساس البلاغه*، قاهره، دار ومطابع الشعب.
٦. سیوطی، جلال الدین (بی تا). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بی جا، بی نا.
٧. شیروانی، مولی حیدر (١٤١٤ق). *مناقب أهل البيت*، تحقیق: محمد الحسون، بی جا، منشورات الإسلامية.
٨. صدوق، محمد (١٤٠٥ق). *کمال الدین وتمام النعمة*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی جامعه مدرسین.
٩. صفار، محمد بن الحسن (١٤٠٤ق). *بصائر الدرجات*، طهران، منشورات الاعلمی.
١٠. طوسی، محمد بن الحسن (١٣٨٧). *المبسوط*، تحقیق: تصحیح و تعلیق: سید محمد تقی کشفی، تهران، المطبعة الحیدریة.
١١. _____ (١٤١١ق). *الغیبة*، تحقیق: عباد الله تهرانی، علی أحمد ناصح، قم، بهمن.
١٢. متقی هندی، علی (١٤٠٩ق). *کنز العمال*، بیروت مؤسسة الرسالة.
١٣. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث.
١٤. مروزی، نعیم بن حماد (١٤١٤ق). *کتاب الثمن*، بیروت، دار الفکر.
١٥. مفید، محمد بن محمد (١٤٠٩ق). *الارشاد*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع.
١٦. _____ (بی تا). *الاختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر و دار المفید للطباعة والنشر.
١٧. مقدسی، یوسف بن یحیی (بی تا). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قاهره، مكتبة عالم الفكر.
١٨. میرزا النوری، حسین (١٤٠٨ق). *مستدرک الوسائل*، بیروت، دارالفکر.
١٩. نعمانی، محمد بن ابراهیم (١٤٢٢ق). *الغیبة*، قم، انوار الهدی.
٢٠. نیسابوری، مسلم (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت، دار الفکر.